

بررسی رابطه میان معیارهای نظام راهبری شرکتی و کیفیت حسابرسی با اجتناب از پرداخت مالیات در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

طاہرہ شجاع لہہ کائی

دانشجوی کارشناسی ارشد رشته حسابرسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رامسر، ایران
Tahereh.shoja@yahoo.com

بہزاد نیک کار

عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رامسر، ایران (نویسنده مسئول)
b.nikkar@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۲/۲۰ تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۳/۰۱

چکیده

هدف پژوهش حاضر، بررسی اثرات سازوکارهای نظام راهبری شرکتی و کیفیت حسابرسی بر اجتناب از پرداخت مالیات در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می باشد. در راستای این هدف، ۹۶ شرکت برای دوره ۵ ساله مورد پژوهش در بازه زمانی ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۴ انتخاب شد. برای آزمون فرضیه ها از روش رگرسیون چندمتغیره استفاده شده است. نتایج پژوهش نشان می دهد که سازوکارهای شاخص حاکمیت شرکتی یعنی شاخص های اندازه ی هیأت مدیره، استقلال هیأت مدیره و مالکیت نهادی ارتباط منفی و معناداری با شاخص اجتناب از پرداخت مالیات دارند. اما رابطه بین شاخص دوگانگی مدیرعامل و شاخص اجتناب از پرداخت مالیات از لحاظ آماری معنادار نیست. همچنین ضریب تأثیرگذاری متغیرهای توضیح دهنده کیفیت حسابرسی یعنی اندازه موسسه حسابرسی و دوره تصدی حسابرس بر شاخص اجتناب از پرداخت مالیات نیز منفی و معنادار است. به عبارت دیگر می توان بیان داشت که با بهبود در معیارهای نظام راهبری شرکتی و کیفیت حسابرسی، اجتناب از پرداخت مالیات کمتری در شرکت ها مشاهده خواهد شد.

واژه های کلیدی: حاکمیت شرکتی، کیفیت حسابرسی، اجتناب از پرداخت مالیات.

۱- مقدمه

نیز به عنوان یکی از ذی نفعان شرکت اصلی ایفای نقش می‌کند. بدین ترتیب که چنانچه عملیات شرکت به سود منتهی شود، قبل از هر تصمیمی در رابطه با این سود، سهم دولت از آن باید محاسبه و تحت عنوان مالیات پرداخت شود (باباجانی و عبدی، ۱۳۸۹، ۷۹). بنابراین اجتناب و فرار مالیاتی، هر دو منجر به کاهش درآمد مالیاتی دولت‌ها می‌شوند؛ ولی از لحاظ مفهومی، دو پدیده کاملاً جدا از هم هستند. فرار مالیاتی به معنای اتخاذ ترتیبات غیر قانونی جهت اختفا یا نادیده گرفتن بدهی مالیاتی بکار می‌رود و اجتناب از پرداخت مالیات، استفاده از راه‌های قانونی مختلف توسط مودی، به منظور کاهش میزان مالیات خود را گویند. از این رو، اجتناب از مالیات، رفتاری قانونی است؛ در حالی که فرار مالیاتی، رفتاری غیر قانونی محسوب می‌شود.

هدف این تحقیق با عنایت به نقش مالیات در اقتصاد که یک اهرم مالی تخصیصی- توزیعی می‌باشد، پدیده فرار مالیاتی و اجتناب از پرداخت مالیات به عنوان یک ضدارزش می‌تواند تهدید جدی برای تداوم زندگی اجتماعی و تحقق رفاه اجتماعی باشد و به همین علت ضرورت شناخت عوامل بروز و تشدید این دو مقوله و تمهید و ارائه راهکارها و پیشنهادها علمی- کاربردی به ویژه در رابطه با اجتناب از پرداخت مالیات که از مجرای قانونی شکل می‌گیرد و کشف آن به مراتب سخت‌تر از فرار مالیاتی است، امری اجتناب ناپذیر خواهد بود. همچنین با توجه به اینکه انتخاب مؤسسه حسابرسی، با پیشنهاد هیأت مدیره و تصویب مجمع عمومی صورت می‌گیرد، این تحقیق، به بررسی رابطه بین راهبری شرکتی و اجتناب از پرداخت مالیات می‌پردازد. از این رو سوال مطرح می‌شود که آیا می‌توان با انجام حسابرسی با کیفیت بالاتر، از اجتناب از پرداخت مالیات در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار جلوگیری کرد؟ آیا معیارهای نظام راهبری شرکتی (ساز و کارهای حاکمیت شرکتی) می‌تواند بر اجتناب از پرداخت مالیات تأثیر بگذارد؟

۲- مبانی نظری و مروری بر پیشینه پژوهش

۲-۱- مبانی نظری

مبانی نظری و شواهد تجربی نشان می‌دهند شرکت‌ها سعی در کاهش و به تعویق انداختن مالیات بر درآمد خود دارند. اجتناب از پرداخت مالیات، فرار مالیاتی، مدیریت سود، محافظه کاری و غیره ابزارهایی هستند که شرکت‌ها ممکن است در صورت لزوم بسته به شرایط از آن‌ها استفاده نمایند. به عنوان مثال (واتس^۱ (۲۰۰۳) چهار عامل را برای اعمال محافظه کاری بیان می‌کند که یکی از آنها مالیات می‌باشد. اجتناب از

در دنیای صنعتی امروز وجود اطلاعات مالی قابل اتکا از اهمیت حیاتی برخوردار است. اقتصاد بسیاری از کشورها در کنترل شرکتهای سهامی بزرگی قرار دارد که سرمایه مورد نیاز خود را از میلیونها سرمایه‌گذار تامین کرده‌اند. اطلاعات مالی هنگامی قابل اعتماد و اتکا است که آثار مالی معاملات و سایر رویدادهای مالی به گونه‌ای بیطرفانه اندازه‌گیری شده و نتایج اندازه‌گیری‌ها معتبر و قابل تایید مجدد باشد. استفاده کنندگان از صورتهای مالی هنگامی می‌توانند به اطلاعات مالی منعکس در صورتهای مالی اتکا کنند که شخصی مستقل، ذیصلاح و بیطرف نسبت به میزان اعتبار این اطلاعات، نظر حرفه‌ای ارائه کرده باشد. در سیستمهای اجتماعی- اقتصادی کنونی، وظیفه اظهار نظر نسبت به صورتهای مالی به حسابرسان مستقل واگذار شده است. فعالیت حسابرسان مستقل بیشتر در قالب مؤسسات حسابرسی انجام می‌گیرد. همچنین کیفیت حسابرسی، یکی از موضوعات با اهمیت در حوزه حسابرسی و بازار سرمایه است. به منظور شناخت مفاهیم و ابعاد مختلف کیفیت حسابرسی، مطالعات گوناگونی انجام شده است تا رابطه بین کیفیت حسابرسی و دیگر متغیرهای آن کشف شود. به هر حال، از آنجا که کیفیت حسابرسی در عمل به سختی قابل مشاهده است، پژوهش‌ها در این زمینه همواره با مشکلات زیادی روبه‌رو بوده‌اند. این پژوهش‌ها نشان می‌دهد که عوامل مختلفی مانند معقول بودن حق الزحمه حسابرسی، تعویض ادواری حسابرسان، تشکیل کمیته حسابرسی در شرکتهای محدودیت ارتباط با صاحبکاران، ادغام مؤسسات کوچکتر و تشکیل مؤسسات حسابرسی بزرگتر، پاسخگو کردن حسابرسان، تخصص‌گرایی حسابرسان، رتبه بندی مؤسسات حسابرسی، وجود قوانین حمایتی از حسابرسان و موارد دیگر منجر به تقویت کیفیت حسابرسی می‌شود. از طرفی به دنبال تخصصی شدن فعالیت شرکت‌ها و در نتیجه تفکیک مدیریت از مالکیت آن‌ها، مدیران به عنوان نماینده سهامداران، شرکت را اداره می‌کنند. با برقراری رابطه نمایندگی به این صورت، هر یک از طرفین رابطه به دنبال حداکثر کردن منافع خود می‌باشند. از آنجاکه تابع مطلوبیت طرفین درگیر در رابطه نمایندگی متفاوت است، بین آن‌ها تضاد منافع به وجود می‌آید. پس این امکان وجود دارد که یکی از طرفین در راستای منافع شخصی خود، اقداماتی انجام دهد که با هدف به حداکثر رساندن منافع سایر گروه‌ها در تضاد باشد (فاما و جنسن، ۱۹۸۳). از تعارض‌های موجود بین ذی نفعان شرکت، تضاد منفعی است که بین دولت و سهامداران وجود دارد. در رویکردهای گسترده نظام راهبری شرکت، دولت

مسئولانه عمل می‌کنند؛ همچنین، استدلال منطقی در این دیدگاه آن است که منافع سهامداران را فقط می‌توان با در نظر گرفتن منافع ذی نفعان برآورده کرد. اهمیت راهبری شرکتی در جهان به آن حد است که موسسه رتبه بندی (standard&poor) معیارهای چهار گانه زیر را برای سنجش وضعیت راهبری شرکتی معرفی کرده است:

- (۱) ساختار مالکیت^۲
- (۲) روابط ذی نفعان مالی^۳
- (۳) ساختار و عملکرد هیأت مدیره^۴
- (۴) پاسخگویی شفافیت و افشای اطلاعات^۵

در ادبیات حرفه ای کیفیت حسابرسی در رابطه با میزان رعایت استانداردهای حسابرسی مربوطه تعریف می شود. اگر چه کیفیت درک شده حسابرسی می تواند با کیفیت واقعی حسابرسی مرتبط باشد اما لزوماً یکسان نیست. بنابراین، حسن شهرت و مراقبت حرفه ای برای حفظ ویژگی های واقعی کیفیت حسابرسی و کیفیت درک شده استفاده می شود. به علاوه، باید در نظر داشت که مراقبت حرفه ای حسابر، کیفیت اطلاعات صورت های مالی را تحت تاثیر قرار می دهد در حالی که حسن شهرت حسابر چگونگی درک ذی نفعان از اطلاعات مذکور را متاثر می سازد. توانایی نظارت حسابر به توانایی حسابر برای بهبود کیفیت اطلاعات و اثبات مشکلات به اندازه گیری مستقیم مربوط می شود. حسن شهرت حسابر بر مبنای شناخت ذی نفعان قرار دارد. از دیدگاه نظری چندین دلیل برای رابطه مستقیم مورد انتظار بین حسن شهرت حسابر، و توانایی نظارت حسابر وجود دارد. حسابرسان بزرگتر، صاحبکاران بیشتری دارند و این امر موجب وقوع زیان های بیشتر از عملکرد حسابرسی با کیفیت می شود. همچنین دی آنجلو استدلال می کند که هزینه های ارزیابی کیفیت سبب می گردد تا حسابرسان در یکنواخت نمودن سطح کیفیت، متخصص گردند. موسسه های حسابرسی بزرگ در واکنش به هزینه های ارزیابی و هزینه های کاهش استقلال، ایجاد شدند. از این رو بر اساس استدلال دی آنجلو استقلال حسابر از کیفیت حسابر مستق می شود. از دیدگاه حسابرسان، اندازه حسابرسی یکی از ویژگی هایی است که بر کیفیت حسابرسی اثر دارد. دی آنجلو معتقد است که مؤسسات حسابرسی بزرگتر، خدمات حسابرسی با کیفیت بالاتر ارائه می کنند، زیرا علاقه مند هستند که شهرت بهتری در بازار کار به دست آورند و از آنجا که تعداد مشتریان زیاد است نگران از دست دادن آن ها نمی باشند. تصور بر این است که چنین مؤسساتی به دلیل

مالیــــــــــــــــات و فــــــــــــــــرار مالیــــــــــــــــاتی از جملــــــــــــــــه استراتژی های کاهش مالیات بر عملکرد هستند و اجتناب از پرداخت مالیات ابزاری قانونی است که پرداخت مالیات را به طور کلی منتفی می کند. از مسائل مهمی که به دلیل رسوایی های گسترده مالی دهه های اخیر مورد توجه محققان قرار گرفته و به عنوان یکی از موضوعات مهم برای سرمایه گذاران مطرح شده موضوع راهبری شرکتی است که به بررسی لزوم نظارت بر مدیریت و تفکیک واحد اقتصادی از مالکیت آن و در نهایت حفظ حقوق سرمایه گذاران و ذی نفعان می پردازد. بررسی علل و شرایط ایجاد این رسوایی ها مشخص کرده است که در موارد فقدان نظارت بر مدیریت، راهبری ناقص سهامداران شرکت ها بر نحوه اداره امور و سپردن اختیارات نامحدود به مدیران اجرایی زمینه مساعدی را برای سوء استفاده آنان فراهم کرده است. جلوگیری از بروز چنین شرایطی مستلزم اعمال راهبری صحیح سهامداران از طریق نظارت دقیق بر مدیریت اجرایی و حسابرسی منظم شرکت ها است که در مجموع تحت عنوان فرآیند راهبری شرکتی شناخته می شود. راهبری شرکتی به مجموعه روابط میان مدیریت اجرایی، هیأت مدیره، سهامداران و سایر طرف های مربوط در یک شرکت می پردازد تعریفهای موجود از راهبری شرکتی در یک طیف وسیع قرار می گیرند. دیدگاههای محدود در یک سو و دیدگاههای گسترده در سوی دیگر طیف قرار دارند. در دیدگاههای محدود، راهبری شرکتی به رابطه شرکت و سهامداران محدود می شود. این، الگویی قدیمی است که در قالب نظریه نمایندگی بیان می شود. در آن سوی طیف، راهبری شرکتی را می توان به صورت شبکه ای از روابط در نظر گرفت که نه تنها میان شرکت و مالکان آنها (سهامداران) بلکه میان شرکت و تعداد زیادی از ذی نفعان از جمله کارکنان، مشتریان، فروشندگان، دارندگان اوراق قرضه و... وجود دارد. چنین دیدگاهی در قالب نظریه ذی نفعان دیده می شود. تعریفهای گسترده تر راهبری شرکتی بر سطح پاسخگویی وسیعتری نسبت به سهامداران و دیگر ذی نفعان تاکید دارند. تعریفهای تریگر (۱۹۸۴)، مگینسون (۱۹۹۴) و رابرت مانگز و نل مینو (۱۹۹۵) که به گروه بیشتری از ذی نفعان تاکید دارند، از مقبولیت بیشتری نزد صاحب نظران برخوردارند. تعریفهای گسترده تر نشان می دهند که شرکت ها در برابر کل جامعه، نسلهای آینده و منابع طبیعی (محیط زیست) مسئولیت دارند. در این دیدگاه، سیستم راهبری شرکتی موانع و اهرم های تعادل درون سازمانی و برون سازمانی برای شرکت هاست که تضمین می کند، آنها مسئولیت خود را نسبت به تمام ذی نفعان انجام می دهند و در تمام زمینه های فعالیت تجاری، به صورت

دسترسی به منافع و امکانات بیشتر برای آموزش حسابرسان خود و انجام آزمون های مختلف، خدمات حسابرسی را با کیفیت بالاتری ارائه می کنند (مجتهد زاده و آقایی، ۱۳۸۳، ۵۶). دوره تصدی حسابرس یکی از معیارهای دیگر اندازه گیری کیفیت حسابرسی است که به تعداد سال های متوالی که موسسات حسابرسی یک صاحبکار را مورد رسیدگی و حسابرسی قرار می دهد، اطلاق می شود انجام عملیات حسابرسی صاحبکار توسط یک موسسه حسابرسی طی سنوات متمادی، به دلیل آشنایی تیم حسابرسی با عملیات حسابرسی صاحبکار، می تواند موثرتر صورت گیرد چنانچه مؤسسه حسابرسی تجربه انجام حسابرسی مؤسسه صاحبکار برای چندین سال را داشته باشد، علاوه بر اینکه اعضای تیم حسابرسی شناخت بیشتری نسبت به کار صاحبکار خواهد داشت، موجب تسریع در انجام عملیات حسابرسی، کاهش هزینه های حسابرسی و افزایش کیفیت حسابرسی می گردد.

بحث اجتناب از پرداخت مالیات بیشتر بنظر می رسد در مورد شرکت هایی با جدایی مالکیت مطرح باشد، زیرا افراد حقیقی به خاطر وجود احتمال کشف و جریمه شدن و ریسک گریزی و یا انگیزه های درونی مثل وظیفه اجتماعی، کمتر، درگیر فرار و اجتناب از پرداخت مالیات می شوند (الینگام و سندمو، ۱۹۷۲). همچنین مدیریت برای کاهش انتقال منابع مالکان به دولت و تعدیل هزینه مالیات، اقدام به اجرای برنامه های اجتناب از پرداخت مالیات می کنند. به طور کلی شرکت ها از طریق دو روش از پرداخت مالیات اجتناب می نمایند که یکی روش انتقال سود از حوزه با مالیات بالا به یک منطقه کم مالیات، یا قرض گرفتن بیشتر در منطقه با مالیات بالا و کمتر در منطقه کم مالیات است. این عمل ویژه به زدودن درآمد اشاره می کند، که در آن بدهی گیرنده قرض به شرکت های وابسته و یا بدهی به شرکت های غیروابسته، مشمول مالیات نمی شود. به عنوان مثال، شرکت مادر ممکن است به شرکت های تابعه خود قرض دهد (گراول^۷، ۲۰۱۳). روش بعدی که شرکت می تواند سود را از حوزه دارای مالیات بالا به حوزه کم مالیاتی انتقال دهد قیمت گذاری کالاها و خدمات فروخته شده بین شرکت های وابسته است. اجتناب از پرداخت مالیات پیامدهای بالقوه مستقیم و غیرمستقیمی را به همراه خواهد داشت. کاهش هزینه مالیات و افزایش جریان نقدی و افزایش ثروت سهامداران از جمله پیامدهای مستقیم؛ و کاهش پناهگاههای مالیاتی و احتمال وضع مالیات بیشتر و در نظر گرفتن جرایم مالیاتی و فشار احتمالی دولت برای در نظر گرفتن مالیات بیشتر از این بنگاهها، کاهش مسئولیت اجتماعی شرکت ها و به تبع آن کاهش ارزش شرکت از جمله پیامدهای غیرمستقیم

فعالیت های اجتناب از پرداخت مالیات می باشند (هانلون و هیترمن^۸، ۲۰۱۰). علاوه بر این ممکن است جامعه نیز شرکت هایی را که رویه متهورانه ای در خصوص مالیات دارند را جریمه و تحریم نمایند و عدم مسوولیت پذیری شرکت ها برای آنها شهرت منفی بوجود آورد که این موارد نیز از جمله پیامدهای غیرمستقیم فعالیت های اجتناب از پرداخت مالیات می باشند (حسینووکلامم، ۲۰۱۲). انتظار می رود مدیران در راستای تحقق پاداش های در نظر گرفته شده از جانب سهامداران برای آنها انگیزه زیادی برای اجتناب از پرداخت مالیات داشته باشند، زیرا اجتناب از پرداخت مالیات در نهایت، به افزایش سود خالص و کاهش جریان های نقدی خروجی ناشی از مالیات منجر میشود و بین طرح های تشویقی پاداش مدیران مالیاتی با نرخ مؤثر مالیاتی محاسبه شده بر اساس استانداردهای حسابداری رابطه ای منفی و معنادار وجود دارد (آرمسترانگ و همکاران^۹، ۲۰۱۲). نگرانی های گزارشگری مالی نیز عامل باز دارنده ای برای برنامه ریزی مالیاتی محسوب می شود انگیزه های گزارشگری مالی اغلب با انگیزه حداقل کردن مالیات در تضاد است، به این دلیل که کاهش در سود مشمول مالیات، غالباً سود حسابداری کمتری را نتیجه میدهد (شاکلفورد و شولین^{۱۰}، ۲۰۰۱). فرار مالیاتی، یک نوع تخلف و تخطی از قانون است، اما اجتناب از پرداخت مالیات استفاده از خلاء قانونی و یا به تعبیری دیگر سوءاستفاده رسمی از قوانین و معافیت ها و مشوق های قانونی است. از جمله تفاوت دیگر فرار مالیاتی و اجتناب از پرداخت مالیات میتوان به واکنش و بازتاب افشا عمل اشاره کرد. در اجتناب از پرداخت مالیات فرد نگران بر ملا شدن عمل خود نیست، چرا که وی عمل غیرقانونی انجام نداده است، ولی در فرار مالیاتی بر ملا شدن عمل فرد میتواند تبعات قانونی و جرایم و تنبیه هایی را برای آن به همراه داشته باشد، هرچند هدف هر دو فعالیت منتفی نمودن مالیات، ولی نحوه ی دست یابی به آن متفاوت می باشد و این دو موضوع را میتوان از هم متمایز نمود (هانلون و هیترمن^{۱۱}، ۲۰۱۰). نتایج فرانک و همکاران^{۱۲} (۲۰۰۹) حاکی از این است که فعالیت های اجتناب از پرداخت مالیات باعث نبود شفافیت در گزارشگری مالی می شود. بنابراین، به میزانی که کیفیت گزارشگری مالی پایین است، عدم اطمینان اطلاعات افزایش می یابد. این مطالعات نشان می دهد اجتناب از پرداخت مالیات میتواند منجر به تضعیف کیفیت و دقت اطلاعات حسابداری شرکت شود و در نتیجه عدم قطعیت سرمایه گذاران را در مورد جریان های نقدی آینده شرکت افزایش میدهد. در نتیجه این امر، هزینه سرمایه افزایش می یابد. دسای و دهارماپالا^{۱۳} (۲۰۰۶) استدلال می کنند که فعالیت های کاهش مالیات میتواند

جهت بهبود و توسعه استراتژی های مالیاتی به نفع مشتریان خود از هر دو دیدگاه صورت‌های مالی و مالیاتی کمک می‌کنند.

پژوهش های جیونگ و بن کیم^{۱۸} (۲۰۱۰) بیان میکنند که رابطه ی مستقیم و معناداری بین اجتناب از پرداخت مالیات و ریسک سقوط قیمت آتی سهام وجود دارد. این نتیجه با نظریه ای که بیان میدارد اجتناب از پرداخت مالیات سوء استفاده مدیریت را تسهیل می کند و اخبار بد فعالیتها برا یچندین دوره انباشته می شود برای این که مدیریت می خواهد جایگاه شغلی خود را حفظ کند. زمانی که دوره تصدی مدیریت به اتمام رسید، اخبار بد انباشته شده به یکباره افشاء می گردد و منجر به سقوط زیاد قیمت سهام می گردد. اما اگر در شرکت سازوکار افشای کارآمد و قوی مثل سهامداران نهادی، تجزیه و تحلیل های صورت گرفته از گزارشهای مالی شرکت، وجود داشته باشد، همه اخبار بد انباشته نمی شوند که در صورت انتشار یکجای آنها کاهش شدید قیمت سهام اتفاق بیفتد، مطابقت دارد.

حسین و همکاران (۲۰۱۰) در بررسی خود به این نتیجه رسیدند که بین کیفیت راهبری شرکتی و اندازه موسسه حسابرسی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد و این ارتباط به وسیله میزان حمایت قانونی از سهامداران اقلیت در سطح کشور تقویت می شود.

لین و همکاران (۲۰۰۹) به بررسی تاثیر ساز و کارهای حاکمیت شرکتی بر موسسات حسابرسی بزرگ پرداختند . نتایج حاصل از بررسی آنها بیانگر این بود که اعمال کنترل توسط سهامداران عمده و یکسان بودن مدیرعامل و رییس هیات مدیره باعث کاهش احتمال انتخاب ۱۰ حسابرس بزرگ چینی می شود.

گیودهامی و همکاران (۲۰۰۹) به بررسی تاثیر ساختار مالکیت بر انتخاب موسسات حسابرسی پرداختند. آنها، پس از کنترل عوامل مربوط به اندازه شرکت، اهرم مالی، نسبت موجودی کالا بر کل دارایی ها، رشد فروش و تولید ناخالص سرانه، به این نتیجه رسیدند که در شرکت های مورد مطالعه مالکیت دولتی و مالکیت خارجی دارای رابطه معنی دار منفی با انتخاب ۴ موسسه حسابرسی بزرگ هستند.

گال و همکاران (۲۰۰۹) در پژوهشی به بررسی رابطه بین دوره تصدی حسابرس با کیفیت حسابرسی پرداختند. آن ها به این نتیجه رسیدند که رابطه بین دوره تصدی کم با کیفیت سود در زمانی که شرکت ها توسط متخصصان صنعت حسابرسی می شوند بسیار ضعیف تر از زمانی است که توسط یک موسسه غیر متخصص، حسابرسی می شوند.

فعالیت های متقبلانه مدیریت و از بین رفتن ارزش سهامداران را تسهیل کند. اجتناب از پرداخت مالیاتی بیشتر میتواند سبب بدتر شدن مشکلات نمایندگی بین شرکت و سهامدارانش شود. استراتژی های اجتناب از پرداخت مالیات مستلزم پنهان کردن حقایق است که این کار با هدف کاهش میزان مالیات از طریق پنهان کردن حقایق از ممیزان مالیاتی صورت می پذیرد. در نتیجه، اثر معکوسی بر محیط اطلاعاتی شرکت دارد و به مدیران اجازه میدهد منافع را از شرکت خارج کنند (دسای و دارما پالا^{۱۴}، ۲۰۰۶). صرفه جویی هزینه ناشی از فعالیتهای اجتناب از پرداخت مالیات میتواند مبلغی ارزشمند برای ضعف مالی شرکت باشد و تامین مالی از طریق بدهی یا وجه نقد را کاهش دهد (کیم و همکاران^{۱۵}، ۲۰۰۵). از آنجایی که سپر مالیاتی شکلی از حمایت مالیاتی می باشد، شرکتهایی که سپر مالیاتی را به کار می برد، بدهی کمتری دارند و صرفه جویی جریان نقدی ناشی از سپر مالیاتی میتواند جانشینی برای میزان بدهی شرکت باشد (گراهام و توکر^{۱۶}، ۲۰۰۶).

در این تحقیق سعی شده است تا رابطه بین معیارهای نظام راهبری شرکتی و کیفیت حسابرسی با اجتناب از پرداخت مالیات در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران مورد بررسی قرار گیرد.

۲-۲- پیشینه پژوهش

شولین و همکاران^{۱۷} (۲۰۱۳) به بررسی تأثیر اجتناب از پرداخت مالیات بر هزینه سرمایه شرکتهای پرداختند. برای این منظور از نرخ مؤثر مالیاتی نقدی بلند مدت و تفاوت سود حسابداری و سود مشمول مالیات به عنوان معیار اجتناب از پرداخت مالیات استفاده کردند. نتایج نشان داد هرچه اجتناب از پرداخت مالیات کمتر باشد، هزینه سرمایه به صورت معناداری کاهش می یابد. تجزیه و تحلیل بیشتر نشان داد این تأثیر در شرکتهای با نظارت خارجی بهتر، منافع نهایی بیشتر از صرفه جویی مالیاتی و کیفیت اطلاعاتی بهتر، قویتر است.

مک گوایر و همکاران(۲۰۱۲) به بررسی رابطه تخصص مالیاتی حسابرسان و سطح اجتناب از پرداخت مالیات شرکت ها پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها بیانگر آن بود زمانی که موسسات حسابرسی یک متخصص مالیاتی باشند مشتریان آنها که خدمات مالیاتی را از این موسسات دریافت می کنند بیشتر درگیر اجتناب از پرداخت مالیات هستند. از سوی دیگر، نتایج حاکی از آن بود شرکت هایی که موسسات حسابرسی آن ها متخصص کلی صنعت هستند دارای سطح اجتناب از پرداخت مالیات بالاتری نسبت به سایر شرکت ها هستند. به عبارت دیگر متخصصان کلی با ترکیب تخصص مالیاتی و مالی خود

از پرداخت مالیات رابطه معناداری وجود دارد.
فرضیه اصلی دوم: بین معیارهای نظام راهبری شرکت و اجتناب از پرداخت مالیات رابطه معناداری وجود دارد.
 برای بررسی فرضیه اصلی فوق فرضیه های فرعی زیر مطرح شده است:

فرضیه فرعی سوم: بین اندازه‌ی هیأت مدیره و اجتناب از پرداخت مالیات رابطه معناداری وجود دارد.
فرضیه فرعی چهارم: بین استقلال هیأت مدیره و اجتناب از پرداخت مالیات رابطه معناداری وجود دارد.
فرضیه فرعی پنجم: بین دوگانگی مدیرعامل و اجتناب از پرداخت مالیات رابطه معناداری وجود دارد.
فرضیه فرعی ششم: بین مالکیت نهادی و اجتناب از پرداخت مالیات رابطه معناداری وجود دارد.

۳- روش شناسی پژوهش

با توجه به اینکه پژوهش حاضر در پی بررسی رابطه میان معیارهای نظام راهبری شرکتی و کیفیت حسابرسی با اجتناب از پرداخت مالیات است، بنابراین به دلیل اینکه نتایج آن به حل یک مشکل یا موضوع خاص می‌پردازد از لحاظ هدف کاربردی و از آنجایی که در پی یافتن رابطه بین دو متغیر می‌باشد، از لحاظ ماهیت و روش تحقیق از نوع همبستگی است.

جامعه آماری این تحقیق، کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴ می‌باشد. فرآیند نمونه‌گیری مبتنی بر روش حذفی و با توجه به محدودیت‌هایی انتخاب شده است که این محدودیت‌ها به شرح زیر می‌باشند:

- ۱) شرکت‌های نمونه تا ابتدای سال ۱۳۹۰ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشند.
- ۲) اطلاعات مورد نیاز و صورت‌های مالی آنها برای هر یک از سال‌های ۱۳۹۰ لغایت ۱۳۹۴ در دسترس باشد.
- ۳) شرکت‌هایی که بیش از سه ماه وقفه معاملاتی نداشته باشند.
- ۴) شرکت‌های زیان ده از فهرست بررسی حذف می‌شوند.
- ۵) به منظور افزایش قابلیت مقایسه، شرکت‌هایی که سال مالی آنها غیر از ۱۲/۲۹ بوده از فهرست حذف می‌شوند.
- ۶) به دلیل ماهیت خاص فعالیت و ریسک مرتبط، شرکت‌های واسطه‌گری و سرمایه‌گذاری از فهرست حذف می‌شوند.

عرب صالحی و هاشمی (۱۳۹۴) در بررسی تاثیر بیش اطمینانی مدیریت بر اجتناب از پرداخت مالیات در یافتند که اثر اطمینان بیش از حد مدیریتی بر اجتناب از پرداخت مالیات، مثبت و معنادار است. به بیان دیگر، اطمینان بیش از حد به مدیران ارشد سبب افزایش اجتناب از پرداخت مالیات در فرایند گزارشگری مالی می‌شود.

پورحیدری و همکاران (۱۳۹۳) در تحقیقی تحت عنوان بررسی تاثیر اجتناب از پرداخت مالیات بر شفافیت گزارشگری مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌ها ۱۳۸۰ الی ۱۳۸۹ دریافتند که فعالیت برنامه ریزی مالیاتی، شفافیت گزارشگری مالی را کاهش می‌دهد. نتایج بررسی آنها نشان داد که فعالیت‌های اجتناب از پرداخت مالیات مستلزم پنهان کردن حقایق و معاملات پیچیده است که بر محیط اطلاعاتی شرکت تاثیر منفی و باعث کاهش شفافیت گزارشگری مالی شرکت می‌شود.

مهرانی و سیدی (۱۳۹۲) به بررسی تاثیر مالیات بر درآمد و محافظه کاری بر اجتناب از پرداخت مالیات پرداختند و دریافتند بین مالیات ابرازی و محافظه کاری با اجتناب از پرداخت مالیات رابطه منفی و معناداری وجود دارد و همچنین اجتناب از پرداخت مالیات و محافظه کاری ابرازگری جایگزین برای کاهش هزینه مالیات می‌باشد که مورد استفاده شرکت‌های ایرانی قرار می‌گیرند و همچنین با افزایش مالیات ابرازی سنوات قبل، انگیزه اجتناب از مالیات افزایش نمی‌یابد.

حساس یگانه و آذین فر (۱۳۸۹) در ایران رابطه اندازه موسسه حسابرسی و کیفیت حسابرسی را بررسی کردند، به همین منظور مؤسسات حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی در زمره مؤسسات حسابرسی کوچک و سازمان حسابرسی به دلیل کارکنان زیاد و قدمت بیشتر در زمره حسابرسی بزرگ قرار گرفته است. تجزیه و تحلیل‌های آماری صورت گرفته در این پژوهش، مبین رابطه معنی دار و معکوس کیفیت حسابرسی و اندازه حسابرسی (مؤسسه حسابرسی) است.

۳- فرضیه های پژوهش

فرضیه اصلی اول: بین کیفیت حسابرسی و اجتناب از پرداخت مالیات رابطه معناداری وجود دارد.
 برای بررسی فرضیه اصلی فوق فرضیه های فرعی زیر مطرح شده است:

فرضیه فرعی اول: بین اندازه موسسه حسابرسی و اجتناب از پرداخت مالیات رابطه معناداری وجود دارد.
فرضیه فرعی دوم: بین دوره تصدی حسابرسی و اجتناب

اندازه حسابرسی برابر با یک و در غیر این صورت مقدار آن برابر صفر در نظر گرفته شد. به همین ترتیب در صورتی که طی دوره پژوهش ۱۱ ساله، حسابرسی بیش از ۴ سال، حسابرسی شرکت صاحبکار بوده باشد، مقدار متغیر مجازی دوره تصدی حسابرسی برابر با یک و در غیر این صورت مقدار آن برابر با صفر در نظر گرفته می شود (مجتهد زاده و آقایی، ۱۳۸۳).

۲- چهار معیار راهبری شرکتی (CGit):

- اندازه‌ی هیأت مدیره (تعداد اعضای هیأت مدیره)
- استقلال هیأت مدیره (تعداد اعضای غیر موظف در ترکیب هیأت مدیره)
- دوگانگی مدیرعامل (مدیر عامل رئیس هیأت مدیره باشد)
- مالکیت نهادی (درصدی از سهام یک شرکت سهامی است که متعلق به بانکها، بیمه‌ها، نهادهای مالی، شرکت‌های هلدینگ، سازمان و نهادهای و شرکت‌های دولتی می‌باشد).

بنابراین مدل شماره ۱ به دو زیر مدل زیر تقسیم می‌شود:

$$Tax Avoid_{it} = \beta_0 + \beta_1 AFSIZE_{it} + \beta_2 Delay_{it} + \beta_3 LEV_{it} + \beta_4 FSIZE_{it} + \beta_5 MSIZE_{it} + \beta_6 AGE_{it} + \varepsilon_{it}$$

$$Tax Avoid_{it} = \beta_0 + \beta_1 AT_{it} + \beta_2 Delay_{it} + \beta_3 LEV_{it} + \beta_4 FSIZE_{it} + \beta_5 MSIZE_{it} + \beta_6 AGE_{it} + \varepsilon_{it}$$

که در آنها:

AFSIZE (اندازه موسسه حسابرسی): در صورتی که حسابرسی شرکت صاحبکار طی دوره پژوهش، سازمان حسابرسی بوده است، مقدار متغیر مجازی اندازه حسابرسی برابر با یک و در غیر این صورت مقدار آن برابر صفر در نظر گرفته شد.

AT (دوره تصدی حسابرسی): در صورتی که طی دوره پژوهش ۱۱ ساله، حسابرسی بیش از ۴ سال، حسابرسی شرکت صاحبکار بوده باشد، مقدار متغیر مجازی دوره تصدی حسابرسی برابر با یک و در غیر این صورت مقدار آن برابر با صفر در نظر گرفته می شود.

و مدل شماره ۲ نیز به چهار زیر مدل زیر تقسیم می‌شود:

$$Tax Avoid_{it} = \beta_0 + \beta_1 DSIZE_{it} + \beta_2 Delay_{it} + \beta_3 LEV_{it} + \beta_4 FSIZE_{it} + \beta_5 MSIZE_{it} + \beta_6 AGE_{it} + \varepsilon_{it}$$

به این ترتیب تعداد ۹۶ شرکت (۴۸۰ مشاهده) به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند.

۴- مدل‌ها و متغیرهای پژوهش و نحوه اندازه‌گیری آن‌ها

۴-۱- مدل‌های پژوهش

برای انجام آزمون فرضیه‌های تحقیق، با توجه به در دسترس بودن اطلاعات، مدل‌هایی بشرح زیر مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند:

مدل ۱:

$$Tax Avoid_{it} = \beta_0 + \beta_1 AQuality_{it} + \beta_2 Delay_{it} + \beta_3 LEV_{it} + \beta_4 FSIZE_{it} + \beta_5 MSIZE_{it} + \beta_6 AGE_{it} + \varepsilon_{it}$$

مدل ۲:

$$Tax Avoid_{it} = \beta_0 + \beta_1 CG_{it} + \beta_2 Delay_{it} + \beta_3 LEV_{it} + \beta_4 FSIZE_{it} + \beta_5 MSIZE_{it} + \beta_6 AGE_{it} + \varepsilon_{it}$$

۴-۲- متغیرهای پژوهش

متغیرهای مورد استفاده در این مدل‌ها به شرح زیر می‌باشند:

الف- متغیر وابسته

متغیر وابسته (Tax Avoidit) اجتناب از پرداخت مالیات در سال t می‌باشد. متغیر توضیح دهنده برای اندازه‌گیری اجتناب از پرداخت مالیات، به شرح زیر است:

نرخ موثر مالیاتی (Effective Tax Rate): از تقسیم هزینه مالیات شرکت i در پایان سال مالی t بر درآمد قبل از مالیات شرکت i در پایان سال مالی t به دست می‌آید. هرچه اندازه‌ی این شاخص بزرگتر باشد، سطح اجتناب از پرداخت مالیات شرکت کمتر است.

ب- متغیرهای مستقل

متغیر مستقل (AQualityit) استفاده شده در این پژوهش عبارتند از:

۱- کیفیت حسابرسی: برای تعیین کیفیت حسابرسی از دو متغیر "اندازه موسسه حسابرسی" و "دوره تصدی حسابرسی" به صورت متغیرهای مجازی استفاده می‌شود. در این پژوهش، سازمان حسابرسی به عنوان موسسه بزرگ و دارای اعتبار و شهرت بالا (درجه ۱) و در مقابل سایر موسسات حسابرسی (موسسات حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی)، که اندازه آن‌ها نسبت به سازمان حسابرسی کوچکتر است، به عنوان موسسات دارای اعتبار و شهرت پایین (درجه ۲) در نظر گرفته شده است. در صورتی که حسابرسی شرکت صاحبکار طی دوره پژوهش، سازمان حسابرسی بوده است، مقدار متغیر مجازی

۵- یافته های پژوهش

۵-۱- آمار توصیفی

در جدول شماره ۱، آماره های توصیفی متغیرهای تحقیق نشان داده شده است. لازم به توضیح است که میانگین متغیر اجتناب از پرداخت مالیات برابر با ۰/۰۲۷ می باشد که نشان می دهد بیشتر داده های مربوط به این متغیر، حول این نقطه تمرکز یافته اند. انحراف معیار برای متغیر سن برابر ۲۰/۷۹ و برای متغیر اجتناب از پرداخت مالیات برابر ۰/۰۵۲۵ است که نشان می دهد در بین متغیرهای پژوهش، سن و اجتناب از پرداخت مالیات به ترتیب دارای بیشترین و کمترین میزان پراکندگی می باشند. ضریب چولگی متغیر مالکیت نهادی برابر با ۸/۹۴ می باشد، یعنی این متغیر چولگی به راست دارد و به این اندازه از مرکز تقارن انحراف دارد. همچنین کشیدگی تمامی متغیرهای مدل ها مثبت است.

لازم به ذکر است؛ قبل از آزمون فرضیه ها باید نرمال بودن متغیرها (بجز متغیرهای باینری) مورد آزمون قرار گیرد، در این تحقیق این موضوع از طریق آماره جاک-برا مورد بررسی قرار می گیرد. از آنجائی که احتمال آماره بیشتر از ۰/۰۵ است، فرضیه صفر مبنی بر نرمال بودن توزیع متغیر مربوطه قبول می شود. بنابراین داده های ما نرمال است. و برای ایستایی (مانایی) متغیرهای مورد استفاده در مدل ها (بجز متغیرهای باینری) از آزمون ریشه واحد استفاده می شود که در جدول شماره ۲ نشان داده شده است.

جدول ۲ نشان می دهد که چون ضریب احتمال کمتر از ۰/۰۵ می باشد داده های ما مانا یا ایستا هستند.

$$Tax Avoid_{it} = \beta_0 + \beta_1 INDMAN_{it} + \beta_2 Delay_{it} + \beta_3 LEV_{it} + \beta_4 FSIZE_{it} + \beta_5 MSIZE_{it} + \beta_6 AGE_{it} + \varepsilon_{it}$$

$$Tax Avoid_{it} = \beta_0 + \beta_1 DABLE_{it} + \beta_2 Delay_{it} + \beta_3 LEV_{it} + \beta_4 FSIZE_{it} + \beta_5 MSIZE_{it} + \beta_6 AGE_{it} + \varepsilon_{it}$$

$$Tax Avoid_{it} = \beta_0 + \beta_1 INSPE_{it} + \beta_2 Delay_{it} + \beta_3 LEV_{it} + \beta_4 FSIZE_{it} + \beta_5 MSIZE_{it} + \beta_6 AGE_{it} + \varepsilon_{it}$$

که در آنها:

DSIZE: (اندازه ی هیأت مدیره): تعداد اعضای هیأت مدیره.
 INDMAN: (استقلال هیأت مدیره): مدیر غیرموظف، عضو پاره وقت هیأت مدیره است که فاقد مسئولیت اجرایی در شرکت می باشد. این متغیر نشان دهنده نسبت اعضای غیر موظف هیأت مدیره به کل اعضای هیأت مدیره میباشد.
 DABLE: (دوگانگی مدیرعامل): براساس تئوری نمایندگی، برای استقلال هیأت مدیره، رئیس هیأت مدیره و بالاترین مقام اجرایی نباید شخص واحدی باشند. برای نشان دادن این متغیر از متغیرهای اسمی (۰ و ۱) استفاده گردید.
 INSPE: (مالکیت نهادی): منظور از سهامداران نهادی، سهامداران حقوقی می باشند که واسطه بینافراد و شرکت ها بوده و از طرف افراد اقدام به تهیه پرتفوی سهام می نمایند. این متغیر از طریق درصد کل سهام تملک شده به وسیله سهامداران نهادی به کل سهام سرمایه اندازگیری میشود.

ج- متغیرهای کنترلی

الف: وقفه انتشار صورت های مالی حسابرسی شده شرکت t در پایان سال مالی t (Delayit): که از طریق لگاریتم طبیعی فاصله زمانی بین پایان سال مالی شرکت و تاریخ مجمع عمومی، به دست می آید.

ب: اهرم مالی شرکت t در پایان سال مالی t (Leverage): که از طریق تقسیم کل بدهی ها بر کل دارایی های شرکت در پایان سال به دست می آید.

ج: اندازه شرکت t در پایان سال مالی t (FSIZEit): لگاریتم طبیعی کل دارایی ها به عنوان نماینده ای از اندازه شرکت

د: سن شرکت (Age): سال های فعالیت شرکت t در سال t

ه: اندازه بازار (MSIZE): لگاریتم طبیعی فروش شرکت t در سال t

سال t

جدول ۱- آماره‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

| متغیر | | | | | | | | | |
|-----------------|-------------------------------------|-----------------------------|-----------------------------|----------------------|---------------------|----------------------|-----------------------|------------------------|---------------|
| آماره | اجتناب از پرداخت مالیات (Tax) Avoid | اندازه‌ی هیأت مدیره (DSIZE) | استقلال هیأت مدیره (INDMAN) | مالکیت نهادی (INSPE) | وقفه انتشار (Delay) | اهرم مالی شرکت (LEV) | اندازه‌ی شرکت (FSIZE) | اندازه‌ی بازار (MSIZE) | سن شرکت (AGE) |
| میانگین | ۰/۰۲۷۷ | -۰/۶۸۴ | ۳۵/۳۲۷۰ | ۰/۳۹۳۲ | ۳۴/۹۰۶ | ۰/۶۵۹۰ | ۱۳/۲۹۶۱ | ۱۱/۸۲۸۶ | ۳۵/۸۱۵ |
| بیشینه | ۰/۳۴۰۴ | -۰/۰۳۷ | ۹۹/۸۴۳۸ | ۱۱/۰۲۹ | ۹۹/۸۴۳ | ۳/۰۶۰۴ | ۱۷/۰۰۰۰ | ۱۶/۹۷۲۶ | ۶۱/۵۰۰ |
| کمینه | ۰/۰۰۰۷ | -۴/۳۶۳ | ۰/۰۵۳۳۹ | -۲/۰۶۰ | -۰/۲۲۶ | ۰/۰۶۵۷ | ۱/۰۰۰۰۰۰ | ۴/۲۹۰۴۵ | ۱۲/۹۷۴ |
| انحراف معیار | ۰/۰۵۲۵ | ۰/۵۱۴۸ | ۱۸/۶۵۷۳ | ۰/۵۰۰۱ | ۱۸/۶۰۰ | ۰/۲۹۷۹ | ۱/۱۳۳۷۶ | ۱/۸۱۱۱۴ | ۲۰/۷۹۲ |
| چولگی | ۳/۰۵۹۱ | -۲/۲۷۹ | ۰/۴۰۳۱۵ | ۸/۹۴۴۹ | ۰/۴۰۲۷ | ۲/۲۵۵۰ | -۱/۱۵۳۶ | ۰/۱۸۰۵۸ | ۰/۱۰۰۰۱ |
| کشیدگی | ۱۲/۴۵۲ | ۱۱/۶۷۵ | ۲/۴۸۴۸۳ | ۱۸۷/۸۴ | ۲/۴۹۴۴ | ۱۴/۸۷۳ | ۱۴/۶۸۸۱ | ۳/۴۹۷۵۹ | ۲/۵۳۷۵ |
| آماره چارک-پرا | ۰/۵۹۲۱ | ۰/۲۳۹۷ | ۲۲/۸۵ | ۱۶۱۰ | ۲۲/۵۶ | ۰/۷۵۳۴ | ۰/۶۶۲۹ | ۹/۴۳۵ | ۶/۳۳۷۵ |
| احتمال چارک-پرا | ۰/۲۳۱ | ۰/۴۳۱ | ۰/۵۷۳۱ | ۰/۸۸۱ | ۰/۲۱۳ | ۰/۵۸۸ | ۰/۳۳۸ | ۰/۸۷۶ | ۰/۵۷۵۴۱ |
| مشاهدات | ۴۸۰ | ۴۸۰ | ۴۸۰ | ۴۸۰ | ۴۸۰ | ۴۸۰ | ۴۸۰ | ۴۸۰ | ۴۸۰ |

منبع: بر اساس خروجی نرم‌افزار Eviews

جدول ۲- نتایج آزمون ریشه واحد پنل دیتا (Pool unit root test)

| آزمون‌های ریشه واحد دیکی فولر Augmented Dickey-Fuller Test | | | |
|--|-------------------------------|--------|--------------------|
| متغیرها | شوارتز-بیزین Schwarz Bayesian | | |
| | t-Statistic | Prob.* | مرتب‌به تفاضل گیری |
| Tax Avoid | -15.4223 | 0.0000 | در سطح |
| DSIZE | -34.1648 | 0.0000 | " |
| INDMAN | -18.6093 | 0.0000 | " |
| INSPE | -199.277 | 0.0000 | " |
| Delay | 63.1903 | 0.0000 | " |
| LEV | -17.6797 | 0.0000 | " |
| FSIZE | -28.9635 | 0.0000 | " |
| MSIZE | -5370.00 | 0.0000 | " |
| AGE | -55.5241 | 0.0000 | " |

منبع: بر اساس خروجی نرم‌افزار Eviews

۲-۵- نتایج فرضیه‌ها

قبل از تخمین مدل‌ها در فرضیه‌های فرعی لازم است که روش تخمین (تلفیقی یا تابلویی) مشخص گردد. برای این منظور از آزمون F لیمر استفاده شده است. که در جدول شماره ۳ برای مدل‌های ۱ و ۲ و در جدول شماره ۴ برای مدل‌های ۳ الی ۶ نشان داده شده است.

جدول ۳ و ۴ نشان می‌دهد که چون مقدار ضریب احتمال آزمون f کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد بنابراین می‌توانیم از روش پنل دیتا استفاده کنیم. روش پنل دیتا خود با استفاده از دو روش "اثرات تصادفی" و "اثرات ثابت" می‌تواند انجام گیرد. برای تعیین اینکه از کدام روش استفاده شود از آزمون هاسمن استفاده گردیده است. که در جدول شماره ۴ برای مدل‌های ۱ و ۲ و در جدول شماره ۵ برای مدل‌های ۳ الی ۶ نشان داده شده است.

جدول ۳- نتایج آزمون F برای مدل های ۱ و ۲

| مدل | Effects Test | Statistic | d.f. | مقدار ارزش احتمال (PV) |
|-------|--------------------------|------------|----------|------------------------|
| مدل ۱ | Cross-section F | 7.127952 | (95,436) | 0.0000 |
| | Cross-section Chi-square | 562.741201 | 95 | 0.0000 |
| مدل ۲ | Cross-section F | 10.960984 | (95,329) | 0.0000 |
| | Cross-section Chi-square | 725.533260 | 95 | 0.0000 |

منبع: بر اساس خروجی نرم افزار Eviews

جدول ۴- نتایج آزمون F برای مدل های ۳ الی ۶

| مدل | Effects Test | Statistic | d.f. | مقدار ارزش احتمال (PV) |
|-------|--------------------------|-------------|-----------|------------------------|
| مدل ۳ | Cross-section F | 4.963214 | (95,436) | 0.0000 |
| | Cross-section Chi-square | 443.758957 | 95 | 0.0000 |
| مدل ۴ | Cross-section F | 7.653398 | (95,332) | 0.0000 |
| | Cross-section Chi-square | 576.554890 | 95 | 0.0000 |
| مدل ۵ | Cross-section F | 2.371528 | (95,1025) | 0.0375 |
| | Cross-section Chi-square | 11.973609 | 95 | 0.0352 |
| مدل ۶ | Cross-section F | 14.991414 | (161,804) | 0.0000 |
| | Cross-section Chi-square | 1347.966896 | 161 | 0.0000 |

منبع: بر اساس خروجی نرم افزار Eviews

جدول ۴- نتایج آزمون هاسمن برای انتخاب روش با اثرات ثابت و تصادفی برای مدل های ۱ و ۲

| مدل | Test Summary | Chi-Sq. Statistic | Chi-Sq. d.f. | Prob. |
|-------|----------------------|-------------------|--------------|--------|
| مدل ۱ | Cross-section random | 4.164004 | 4 | 0.3843 |
| مدل ۲ | Cross-section random | 31.708654 | 5 | 0.0000 |

منبع: بر اساس خروجی نرم افزار Eviews

جدول ۵- نتایج آزمون هاسمن برای انتخاب روش با اثرات ثابت و تصادفی برای مدل های ۳-۴ تا ۶-۴

| مدل | Test Summary | Chi-Sq. Statistic | Chi-Sq. d.f. | Prob. |
|-------|----------------------|-------------------|--------------|--------|
| مدل ۳ | Cross-section random | 2.823308 | 5 | 0.5878 |
| مدل ۴ | Cross-section random | 13.5422911 | 5 | 0.5109 |
| مدل ۵ | Cross-section random | 11.203014 | 5 | 0.1905 |
| مدل ۶ | Cross-section random | 66.928767 | 5 | 0.0000 |

منبع: بر اساس خروجی نرم افزار Eviews

مدل (۶) چون ضریب احتمال کمتر از ۰/۰۵ می باشد تخمین آن با روش ثابت انجام می گیرد (جدول ۵). برای بررسی فروض کلاسیک پنل در رگرسیون ها از آزمون ناهمسانی واریانس و خودهمبستگی برای مدل های پنل استفاده شده، که در جدول شماره ۶ برای مدل های ۱ و ۲ و در جدول شماره ۷ برای مدل های ۳ الی ۶ نشان داده شده است.

جدول فوق نشان می دهد که چون ضریب احتمال در مدل (۱) بیشتر از ۰/۰۵ می باشد تخمین با روش اثرات تصادفی است. ولی در مدل (۲) چون ضریب احتمال کمتر از ۰/۰۵ می باشد تخمین آن با روش ثابت انجام می گیرد (جدول ۴). همچنین چون ضریب احتمال در مدل های ۳ الی ۵ بیشتر از ۰/۰۵ می باشد تخمین با روش اثرات تصادفی است. ولی در

جدول ۶- نتایج آزمون ناهمسانی واریانس و خود همبستگی برای مدل‌های پنل

| مدل ۲ | | مدل ۱ | | آزمون‌ها |
|--------|--------|---------|--------|---|
| آماره | prob | آماره | prob | |
| ۱/۰۹۹۴ | ۰/۱۳۹۸ | ۱/۳۲۲ | ۰/۱۳۶۵ | آزمون ناهمسانی واریانس بین گروهی (والد تعدیل شده) |
| ۰/۹۹۷۱ | ۰/۲۱۶۷ | ۱/۰۰۹۳۴ | ۰/۲۷۳۷ | آزمون خودهمبستگی (آزمون وولدریج) |

منبع: بر اساس خروجی نرم‌افزار Eviews

جدول ۷- نتایج آزمون ناهمسانی واریانس و خود همبستگی برای مدل‌های پنل ۳ الی ۶

| مدل ۶ | | مدل ۵ | | مدل ۴ | | مدل ۳ | | آزمون‌ها |
|---------|---------|---------|---------|---------|----------|---------|---------|---|
| آماره | prob | آماره | prob | آماره | prob | آماره | prob | |
| ۰/۴۵۱۳۴ | ۰/۶۷۳۳۱ | ۰/۶۴۱۱۹ | ۰/۲۳۹۹۶ | ۰/۵۹۰۳۱ | ۰/۵۱۲۲۰۴ | ۰/۶۵۳۲ | ۰/۴۶۵۴۳ | آزمون ناهمسانی واریانس بین گروهی (والد تعدیل شده) |
| ۰/۸۲۱۱۸ | ۰/۱۷۲۲۹ | ۰/۸۰۹۹۷ | ۰/۲۳۰۹۸ | ۰/۸۹۰۷۱ | ۰/۱۶۹۳۳ | ۰/۸۶۷۳۲ | ۰/۱۸۲۳۵ | آزمون خودهمبستگی (آزمون وولدریج) |

منبع: بر اساس خروجی نرم‌افزار Eviews

ویژگی‌هایی است که بر کیفیت حسابرسی اثر دارد و هرچه موسسات حسابرسی بزرگتر باشد کیفیت حسابرسی افزایش می‌یابد؛ و به تبع آن از اجتناب از پرداخت مالیات کاسته می‌شود. بنابراین بین اندازه موسسه حسابرسی و اجتناب از پرداخت مالیات رابطه منفی و معناداری وجود دارد. و فرضیه فرعی اول پذیرفته می‌شود. و در مدل (۲) دوره تصدی حسابرسی اثر منفی بر اجتناب از پرداخت مالیات دارد و در سطح ۹۹٪ معنادار است (چون ضریب احتمال (prob) آن کمتر از ۰/۰۱ می‌باشد). یعنی با بهبود در شاخص دوره تصدی حسابرسی به میزان یک واحد، شاخص اجتناب از پرداخت مالیات را به میزان ۰/۸۱۳ کاهش می‌دهد. این ضریب در تخمین مدل منفی و معنادار می‌باشد. بنابراین هر چه تعداد سال‌های متوالی که موسسات حسابرسی، انجام عملیات حسابرسی یک صاحبکار را مورد رسیدگی قرار می‌دهند؛ بیشتر باشد به دلیل آشنایی نسبت به کار صاحبکار موجب سرعت بخشیدن در انجام عملیات حسابرسی، کاهش هزینه‌های حسابرسی و افزایش کیفیت حسابرسی می‌گردد. و به تبع آن اجتناب از پرداخت مالیات کاهش می‌یابد. بنابراین بین دوره تصدی حسابرسی و اجتناب از پرداخت مالیات رابطه منفی و معناداری وجود دارد. و فرضیه فرعی دوم پذیرفته می‌شود.

جدول فوق نشان می‌دهد از آنجائی که P-value آزمون ناهمسانی واریانس بزرگتر از ۰/۰۵ است در نتیجه فرض صفر مبنی بر همسانی واریانس‌ها پذیرفته می‌شود. به عبارتی، نتیجه آزمون والد تعدیل شده حاکی از عدم وجود ناهمسانی واریانس بین واحدهای مقطعی (۹۶ شرکت) است و از آنجائی که P-value آزمون خودهمبستگی بزرگتر از ۰/۰۵ است دال بر عدم وجود خودهمبستگی می‌باشد. به عبارتی نتایج بدست آمده از آزمون وولدریج نشان‌دهنده تایید فرضیه صفر و حاکی از عدم وجود خود همبستگی می‌باشد.

۵-۲-۱- نتایج آزمون فرضیه فرعی اول و دوم

نتایج حاصل از تخمین مدل‌ها برای این دو فرضیه فرعی در جدول شماره ۸ نشان داده شده است.

جدول ۸ نمایانگر این است که در مدل (۱) اندازه موسسه حسابرسی اثر منفی بر اجتناب از پرداخت مالیات دارد و در سطح ۹۹٪ معنادار است (چون ضریب احتمال (prob) آن کمتر از ۰/۰۱ می‌باشد). یعنی با بهبود در شاخص اندازه موسسه حسابرسی به میزان یک واحد، شاخص اجتناب از پرداخت مالیات را به میزان ۰/۸۰۷ کاهش می‌دهد. این ضریب در تخمین مدل منفی و معنادار می‌باشد. بنابراین می‌توان گفت بین حسن شهرت حسابرسی و شاخص آن که اندازه موسسه حسابرسی است رابطه مستقیم وجود دارد زیرا موسسات حسابرسی بزرگتر علاقه مند هستند که شهرت بهتری در بازار کار به دست آورند به این دلیل خدمات حسابرسی با کیفیت تر ارائه می‌کنند. از طرف دیگر اندازه موسسه حسابرسی یکی از

جدول ۸- نتایج حاصل از تخمین مدل اول و دوم

| متغیرهای مستقل | | مدل ۱ | | | مدل ۲ | | |
|---------------------------------|---------------------------|---------------------|-----------------------|-------------------|---------------------|-----------------------|-------------------|
| | | ضرایب تخمین | سطح آماره t-Statistic | سطح معناداری prob | ضرایب تخمین | سطح آماره t-Statistic | سطح معناداری prob |
| C | عرض از مبدا | 2.476236 | 20.81750 | 0.0000 | 2.478363 | 34.45021 | 0.0000 |
| AFSIZE | اندازه موسسه حسابرسی | -0.807143 | -18.67957 | 0.0000 | - | - | - |
| AT | دوره تصدی حسابرسی | - | - | - | -0.813124 | -29.11002 | 0.0000 |
| Delay | وقفه انتشار صورت‌های مالی | 0.007344 | 4.137156 | 0.0000 | 0.001669 | 3.697292 | 0.0002 |
| LEV | اهرم مالی شرکت | 0.002247 | 7.838033 | 0.0000 | 0.001751 | 1.744699 | 0.0816 |
| FSIZE | اندازه شرکت | -1.794373 | -1.662427 | 0.0968 | -0.002549 | -3.584748 | 0.0004 |
| MSIZE | اندازه بازار | 0.320048 | 5.582495 | 0.0000 | 5.281443 | 12.38762 | 0.0000 |
| AGE | سن شرکت | 0.235219 | 1.419629 | 0.1561 | 0.256160 | 4.802443 | 0.0000 |
| Adjusted R-squared | | 0.650796 | | | 0.509072 | | |
| Durbin-Watson stat | | 2.376879 | | | 1.765995 | | |
| F-statistic [Prob(F-statistic)] | | 99.36377 [0.000000] | | | 47.91246 [0.000000] | | |

منبع: بر اساس خروجی نرم‌افزار Eviews

۰/۰۱۲ کاهش می‌دهد. این ضریب در تخمین مدل منفی و معنادار می‌باشد. بنابراین می‌توان گفت انسجام، توانایی و استقلال اعضای هیات مدیره یعنی عضو غیرموظف که فاقد مسئولیت اجرایی در شرکت باشد سبب شفافیت و راهبری شرکتی صحیح شرکت می‌گردد. این امر موجب ارتقا و بهبود راهبری شرکتی و همچنین بهبود در مدیریت شرکت می‌شود. و در نتیجه اجتناب از پرداخت مالیات کمتر می‌شود. بنابراین بین استقلال هیات مدیره و اجتناب از پرداخت مالیات رابطه منفی و معنادار وجود دارد. و فرضیه فرعی چهارم پذیرفته می‌شود. در مدل (۵) دوگانگی مدیرعامل اثر منفی بر اجتناب از پرداخت مالیات دارد ولی از لحاظ آماری معنادار نیست (چون ضریب احتمال (prob) بیشتر از ۰/۱ می‌باشد). یعنی با بهبود در شاخص دوگانگی مدیرعامل (یکی از سازوکارهای نظام راهبری شرکتی) به میزان یک واحد، شاخص اجتناب از پرداخت مالیات را به میزان ناچیز ۰/۰۰۴۳ کاهش می‌دهد. این ضریب در تخمین مدل منفی و از لحاظ آماری معنادار نمی‌باشد. بنابراین براساس تئوری نمایندگی، برای استقلال هیات مدیره، رئیس هیات مدیره و بالاترین مقام اجرایی نباید شخص واحدی باشند. پس بین دوگانگی مدیرعامل و اجتناب از پرداخت مالیات از لحاظ آماری رابطه معناداری وجود ندارد. و فرضیه فرعی پنجم رد می‌شود. و در مدل (۶) مالکیت نهادی اثر منفی بر اجتناب از پرداخت مالیات دارد و در سطح

۵-۲-۲- نتایج آزمون فرضیه فرعی سوم الی ششم
نتایج حاصل از تخمین مدل‌ها برای این چهار فرضیه فرعی در جدول شماره ۹ نشان داده شده است.
جدول ۹ نمایانگر این است که در مدل (۳) اندازه هیات مدیره اثر منفی بر اجتناب از پرداخت مالیات دارد و در سطح ۹۹٪ معنادار است (چون ضریب احتمال (prob) آن کمتر از ۰/۰۱ می‌باشد). یعنی با بهبود در شاخص اندازه هیات مدیره (یکی از سازوکارهای نظام راهبری شرکتی) به میزان یک واحد، شاخص اجتناب از پرداخت مالیات را به میزان ۰/۷۳ کاهش می‌دهد. این ضریب در تخمین مدل منفی و معنادار می‌باشد. بنابراین می‌توان گفت با بهبود بخشیدن در تعداد اعضای هیات مدیره مسئولیتها تقسیم و نظارت بر کلیه فرآیند حسابرسی شرکت با کیفیت بالاتری انجام می‌پذیرد. در نتیجه موجب ارتقای راهبری شرکتی می‌شود و از اجتناب از پرداخت مالیات کاسته می‌شود. بنابراین بین اندازه هیات مدیره و اجتناب از پرداخت مالیات رابطه منفی و معناداری وجود دارد. و فرضیه فرعی سوم پذیرفته می‌شود. در مدل (۴) استقلال هیات مدیره اثر منفی بر اجتناب از پرداخت مالیات دارد و در سطح ۹۹٪ معنادار است (چون ضریب احتمال (prob) آن کمتر از ۰/۰۱ می‌باشد). یعنی با بهبود در شاخص استقلال هیات مدیره (یکی از سازوکارهای نظام راهبری شرکتی) به میزان یک واحد، شاخص اجتناب از پرداخت مالیات را به میزان

پرداخت مالیات رابطه منفی و معناداری وجود دارد. و فرضیه فرعی ششم پذیرفته می‌شود. همچنین به منظور بررسی استقلال خطاها (تفاوت بین مقادیر واقعی و پیش‌بینی شده توسط معادله رگرسیون) در دوره‌های مختلف از آزمون دوربین - واتسون استفاده شده است. مقدار D.W محاسبه شده برای کلیه مدل‌ها بین ۱/۵ تا ۲/۵ است؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که جملات خطا در دوره‌های مختلف مستقل می‌باشند. به عبارت دیگر مقادیر خطا تصادفی بوده و فرض وجود خودهمبستگی بین خطاهای مدل برآورد شده رد می‌شوند.

۹۹٪ معنادار است (چون ضریب احتمال (prob) آن کمتر از ۰/۰۱ می‌باشد). یعنی با بهبود در شاخص مالکیت نهادی (یکی از سازوکارهای نظام راهبری شرکتی) به میزان یک واحد، شاخص اجتناب از پرداخت مالیات را به میزان ۰/۰۱۲ واحد کاهش می‌دهد. این ضریب در تخمین مدل منفی و معنادار می‌باشد. بنابراین سرمایه‌گذاران نهادی، با نظارت کارآمد خود محرک‌هایی برای بهبود عملکرد دارند و توان تنبیه مدیرانی که در جهت منافع شان حرکت نمی‌کنند را نیز دارا می‌باشند. همچنین مالکیت نهادی بر پوشش مالیاتی تاثیر معنادار دارد. پس با افزایش این شاخص از اجتناب از پرداخت مالیات کاسته خواهد شد. در نتیجه بین مالکیت نهادی و اجتناب از

جدول ۹- نتایج حاصل از تخمین مدل‌های ۳ الی ۶

| متغیر وابسته Tax Avoid: اجتناب از پرداخت مالیات | | | | | | | | | |
|---|---------------------------|--------------------|--------------|--------------------|--------------|--------------------|--------------|--------------------|--------------|
| متغیرهای مستقل | | مدل ۳ | | مدل ۴ | | مدل ۵ | | مدل ۶ | |
| | | ضرایب تخمین | سطح معناداری | ضرایب تخمین | سطح معناداری | ضرایب تخمین | سطح معناداری | ضرایب تخمین | سطح معناداری |
| C | عرض از مبدا | -2.694707 | 0.0000 | -0.713064 | 0.0000 | -0.022970 | 0.0004 | -0.713064 | 0.0000 |
| DSIZE | اندازه‌ی هیأت مدیره | -0.732509 | 0.0000 | - | - | - | - | - | - |
| INDMAN | استقلال هیأت مدیره | - | - | -0.012580 | 0.0000 | - | - | - | - |
| DABLE | دوگانگی مدیرعامل | - | - | - | - | -0.000483 | 0.9900 | - | - |
| INSPE | مالکیت نهادی | - | - | - | - | - | - | -0.012580 | 0.0000 |
| Delay | وقفه انتشار صورت‌های مالی | 0.167118 | 0.0150 | 0.000538 | 0.0002 | 0.000547 | 0.9887 | 0.000538 | 0.0002 |
| LEV | اهرم مالی شرکت | 0.079863 | 0.0252 | 0.071578 | 0.0000 | 0.021420 | 0.0000 | 0.071578 | 0.0000 |
| FSIZE | اندازه شرکت | -0.011242 | 0.0407 | -0.032950 | 0.0000 | -0.060621 | 0.0000 | -0.032950 | 0.0000 |
| MSIZE | اندازه بازار | 0.036738 | 0.0982 | 5.281443 | 0.0002 | 0.082199 | 0.0000 | 0.007911 | 0.0000 |
| AGE | سن شرکت | 0.704411 | 0.2747 | 0.256160 | 0.0002 | 0.279624 | 0.0008 | 0.183171 | 0.0000 |
| Adjusted R-squared | | 0.660304 | | 0.614777 | | 0.183171 | | 0.624777 | |
| Durbin-Watson stat | | 1.655752 | | 1.756555 | | 1.585793 | | 1.656555 | |
| F-statistic [Prob] | | 91.83610[0.000000] | | 26.57690[0.000000] | | 33.89097[0.000000] | | 26.57690[0.000000] | |

منبع: بر اساس خروجی نرم‌افزار Eviews

تصدی حسابرسی بر شاخص اجتناب از پرداخت مالیات یک رابطه منفی و معنادار است. بنابراین به بیانی دیگر می‌توان اظهار داشت که با بهبود و اصلاح معیارهای نظام راهبری شرکتی و کیفیت حسابرسی می‌توان شاهد اجتناب از پرداخت مالیات کمتری در شرکتها باشیم. از طرفی شرکتها برای اعتباربخشی و افزایش کیفیت سود گزارش شده می‌توانند از حسابرسان متخصص و شاغل در سازمان حسابرسی استفاده کنند تا از این طریق اعتماد سرمایه‌گذاران را کسب نمایند. چرا که نتایج نشان می‌دهد که شاخص اندازه موسسه

۶- نتیجه‌گیری و بحث

طبق نتایج بدست آمده از آزمون فرضیه‌ها در این پژوهش، نشان می‌دهد که سازوکارهای شاخص نظام راهبری شرکتی یعنی شاخص‌های اندازه هیأت مدیره، استقلال هیأت مدیره و مالکیت نهادی رابطه منفی و معناداری با شاخص اجتناب از پرداخت مالیات دارند. ولی رابطه بین شاخص دوگانگی مدیرعامل و شاخص اجتناب از پرداخت مالیات از لحاظ آماری معنادار نیست. همچنین متغیرهای توضیح دهنده کیفیت حسابرسی یعنی اندازه موسسه حسابرسی و دوره

انتخاب هیات مدیره و تاثیر نخبگان سیاسی در نظام راهبری شرکتی) و عدم ابراز هزینه ها و علی الخصوص هزینه های مالیاتی باعث گردیده است که نتایج بدست آمده در پژوهش حاضر با مبانی نظری و پژوهش های مشابه در کشورهای پیشرفته، کاملا همسو نباشد. لازم به ذکر است که در پژوهش های سیمونیک ۱۹۸۰ که در بورس اوراق بهادار آمریکا صورت گرفته بود، تاثیر مثبت سهامداران نهادی را بر هزینه های مالیاتی نشان داده بود. همچنین در پژوهشی که در بورس چین صورت گرفته است رابطه منفی بین استقلال هیات مدیره با هزینه مالیاتی نشان داده شده است. در ایران و در اکثر شرکت های بزرگ و علی الخصوص شرکت هایی که در آن دولت تاثیر گذار است، بعد از انتخابات (مانند انتخابات ریاست جمهوری) حاکمیت شرکتها دستخوش تسویه حساب سیاسی گردیده و هیات مدیره و به تبع آن مدیر عامل تغییر می یابد. در این میان هزینه های مالیاتی و سایر مسائل از این دست کمتر مورد علاقه مدیران برای مدیریت است. و مسایلی همچون تغییرات در سیستم و تغییر حسابرس بیشتر جلب توجه می نماید. پیشنهاد می شود در پژوهش های آتی به رابطه فعال و غیر فعال بودن سهامداران نهادی در ترکیب هیات مدیره با هزینه های مالیاتی نیز مورد بررسی قرار گیرد. به علاوه، برای کنترل بهتر تاثیر متغیر مستقل بر متغیر وابسته به مدل مورد استفاده نوع صنعت اضافه گردد. پیشنهاد می شود در پژوهش های آتی رابطه استفاده از نوع اظهار نظر حسابرس با هزینه های مالیاتی نیز مورد بررسی قرار گیرد.

فهرست منابع

- * باباجانی، جعفر و عبدی، محمد (۱۳۸۹). رابطه حاکمیت شرکتی و سود مشمول مالیات شرکتها. پژوهشهای تجربی حسابداری مالی، شماره ۵، ۶۵-۸۶.
- * حساس یگانه، یحیی (۱۳۸۴). فلسفه حسابرسی. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- * حساس یگانه، یحیی و آذین فر، کاوه (۱۳۸۹). رابطه بین کیفیت حسابرسی و اندازه موسسه حسابرسی. بررسی های حسابداری و حسابرسی، تهران: دانشکده مدیریت دانشگاه تهران. دوره ۱۷، شماره ۶۱، پاییز، ۸۵-۹۸.
- * پورحیدری، امید؛ فدوی، محمدحسن و امینی نیا، میثم (۱۳۹۳). بررسی تاثیر اجتناب از پرداخت مالیات بر شفافیت گزارشگری مالی شرکتها پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی، سال چهاردهم، شماره ۵۲، بهار، ۸۵-۶۹.

حسابرسی ارتباط منفی و معنادار با شاخص اجتناب از پرداخت مالیات دارد. تبصره ۲ ماده ۱۰ دستورالعمل مؤسسات حسابرسی معتمد سازمان بورس مصوب ۸۶/۵/۸ شورای عالی بورس بیان می کند، مؤسسات حسابرسی مجاز نیستند بعد از گذشت چهار سال، دوباره سمت حسابرس مستقل و بازرس قانونی شرکت واحدی را بپذیرند. بنابراین سازمان امور مالیاتی برای جلوگیری از اجتناب های مالیاتی، می تواند به مساله دوره تصدی و استمرار رابطه بین مؤسسات حسابرسی و شرکت ها توجه بیشتری کند. افزایش تعداد اعضای هیأت مدیره و همزمان استقلال اعضا، ویژگی نظارتی بر عملکرد مالی را افزایش داده و اجتناب از پرداخت مالیات را کاهش می دهد. بر اساس نتایج حاصل شده، از آنجاییکه افزایش سرمایه گذاران نهادی شامل بانک ها، شرکت های بیمه، صندوق های بازنشستگی، شرکت های سرمایه گذاری و سایر موسسه هایی است که به خرید و فروش حجم بالایی از اوراق بهادار می پردازد و با استفاده از میزان حق رای بالا در مجامع شرکت ها به صورت مستقیم بر تصمیمات مدیریتی شرکت های سرمایه پذیر موثر هستند، سبب کاهش اجتناب از پرداخت مالیات می گردد، بنابراین می توان با افزایش مالکیت نهادی در شرکت ها به اعتباربخشی و افزایش کیفیت سود گزارش شده پرداخت. نتایج این تحقیق در آزمون فرضیه فرعی اول مشابه پژوهش حساس یگانه و آذین فر (۱۳۸۹) می باشد که بیانگر آن است هر چه مؤسسات حسابرسی بزرگتر باشد خدمات حسابرسی بهتری ارائه خواهند داد و بر کیفیت حسابرسی تاثیر می گذارد و در نتیجه کیفیت حسابرسی سبب می گردد اجتناب از پرداخت مالیات کمتری در شرکتها دیده شود. آزمون فرضیه فرعی دوم مشابه پژوهش گال و همکاران (۲۰۰۹) می باشد که بیانگر آن است هر چه دوره تصدی حسابرس بیشتر باشد نسبت به صنعت و کار صاحبکار آشنایی بیشتری خواهد داشت و بر کیفیت حسابرسی تاثیر می گذارد در نتیجه کیفیت حسابرسی سبب می گردد اجتناب از پرداخت مالیات کمتری در شرکتها مشاهده شود. و آزمون فرضیه های فرعی سوم الی ششم مشابه پژوهش لین و همکاران (۲۰۰۹) می باشد که بیانگر آن است هر چه در معیار های نظام راهبری شرکتی (یکی از سازو کارهای حاکمیت شرکتی) بهبود حاصل گردد؛ موجب ارتقاء و بهبود در مدیریت شرکت می شود در نتیجه نظارت بر برکلیه فرآیند حسابرسی شرکت با کیفیت بالاتری انجام می پذیرد و در نتیجه این کیفیت سبب می گردد اجتناب از پرداخت مالیات کمتری در شرکتها مشاهده گردد.

با توجه به اینکه نظام راهبری در شرکت های ایران پیچیده و موارد خاص خود را دارد (مانند دخالت دولت در

- * Hanlon, M., and S. Heitzman. (2010). "A review of tax research." *Journal of Accounting and Economics*, 50 (2-3): 127-178.
- * Hossain, M.; Lim, C.; and P. Tan (2010). "Corporate Governance, Legal Environment, and Auditor Choice in Emerging Markets", *Review of Pacific Basin Financial Markets and Policies*. Vol. 13, No. 1, pp. 91-126.
- * Huseynov, F, Klamm, B, (2012). "Tax avoidance, tax management and corporate social responsibility", *Journal of Corporate Finance* 18. 804-827.
- * Jeong, Bon Kim (2010). Department of Accountancy City University of Hong Kong, Yinghua, Li* Krannert School of Management Purdue University, Liandong Zhang Department of Accountancy City University of Hong Kong, Corporate Tax Avoidance and Stock Price Crash Risk: Firm-Level Analysis, Working paper, [Online]. www.ssrn.com.
- * Kim B, Jung K, Kim I (2005). Internal Funds Allocation and the Ownership Structure: Evidence from Korean Business Groups. *Rev Quant Finance Acc* 25:33-53.
- * Lin, Z. J.; and M. Liu (2009), "The Impact of Corporate Governance on Auditor Choice: Evidence from China", *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, pp. 44-59.
- * McGuire, Sean T., Thomas C. Omer and Dechun Wang. (2012). "Tax Avoidance: Does Tax-Specific Industry Expertise Make a Difference?" *The Accounting Review*, 87 (3): 975-1003.
- * Shackelford, D., Shevlin, T. (2001). "Empirical tax research in accounting", *Journal of Accounting and Economics* 31. 321-387.
- * Watts, R., (2003). Conservatism in Accounting Part I: Explanations and Implications, *Accounting Horizons*
- * Watts, R., (2003). Conservatism in Accounting Part II: Evidence and Implications, *Accounting Horizons*
- * عرب صالحی، مهدی و هاشمی، مجید (۱۳۹۴). تاثیر اطمینان بیش از حد مدیریتی بر اجتناب مالیاتی. فصلنامه علمی- پژوهشی، بررسی های حسابداری و حسابرسی، مقاله ۶، دوره ۲۲، شماره ۱، بهار، ۸۵-۱۰۴.
- * مجتهدزاده، ویدا و آقای، پروین (۱۳۸۳). عوامل موثر بر کیفیت حسابرسی مستقل از دیدگاه حسابرسان مستقل و استفاده کنندگان. بررسی های حسابداری و حسابرسی، تهران: دانشکده مدیریت دانشگاه تهران. سال یازدهم، شماره ۳۸، زمستان، ۵۳-۷۶.
- * محمدی، غلامرضا (۱۳۸۷)، طیف تعاریف حاکمیت شرکتی، اردیبهشت.
- * مهرانی، ساسان و سیدی، سیدجلال (۱۳۹۳). بررسی تاثیر مالیات بردرآمد و حسابداری محافظه کارانه بر اجتناب مالیاتی شرکتها. فصلنامه علمی- پژوهشی، دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، سال سوم، شماره دهم، تابستان.
- * Allingham, M. and A. Sandmo (1972), "Income tax evasion: a theoretical analysis." *Journal of Public Economics*, 1, 323-338.
- * Armstrong, S.C., Blouin, L.J. & Larker, F.D (2012), The Incentives for Tax Planning, *Journal of Accounting and Economics*. 53.
- * DeAngelo, L. (1981). Auditor size and audit quality. *Journal of Accounting & Economics*, (3), 183.
- * Desai, M.A., Dharmapala, D (2006). Corporate Tax Avoidance and High Powered Incentives. *Journal of Financial Economics*, 79, 145-179.
- * Fama, E. F., & Jensen, M. C. (1983). Separation of ownership and control. *Journal of Law and Economics*, 26(12), 301-325.
- * Frank, M.M., Lynch, L & Rego, S. (2009). Tax Reporting Aggressiveness and its Relation to Aggressive Financial Reporting. *The Accounting Review*, 84, 467-496.
- * Goh, B. W. Lee, J. Lim, CH. Y & Shevlin, T. (2013). The Effect of Corporate Tax Avoidance on the Cost of Equity. Working Paper. Retrieved from <http://ssrn.com/abstract=2237742>
- * Graham, J.R., Tucker, A (2006). Tax Shelters and Corporate Debt Policy. *Journal of Financial Economics*. 81, 563-594.
- * Gravelle J. G. (2013). "Tax Havens: International Tax Avoidance and Evasion". Congressional research service, 8-13.
- * Guedhami, O.; Pittman, J. A.; and W. Saffar (2009). "Auditor Choice in Privatized Firms: Empirical Evidence on the Role of State and Foreign Owners", *Journal of Accounting and Economics*, pp. 151-17.
- * Gul, F., S. Fung, and B. Jaggi. (2009). "Earnings quality: Some evidence on the role of auditor tenure and auditors' industry expertise" *Journal of Accounting and Economics*, 47(3): 265-287.

یادداشت‌ها

¹.Watts

².Ownership structure

³.Financial stakeholder Relation

⁴.Board Structure process

⁵.and Financial Transparency

⁶.Alyngham and Sandmv

⁷.Agrawal

⁸.Hanlon and Hytzm

⁹.Armstrong et al

¹⁰.Shackelford & Shevlin

¹¹.Hanlon and Hytzm

¹².Frank et al

¹³.Desai and Dharmapala

¹⁴.Desai and Dharmapala

¹⁵.Kim et al

¹⁶.Graham & Tucker

¹⁷.Shevlin et al

¹⁸.Jeong and Ben Kim